



دکتر احمد ترابی

پس از حمله وحشتناک و مرگبار در اواخر ماه مه گذشته به یک مدرسه در ایالت نگراس امریکا و کشته شدن حداقل ۲۱ نفر که می‌توان گفت یکی از پرطرفدارترین ایالت‌های قانون حمل اسلحه در امریکا است و

کشته شدن حداقل ۲۱نفر در این مدرسه، بار دیگر این موضوع مطرح شده‌است که چرا موضوع حمل اسلحه و مالکیت سلاح موضوع متمم دوم قانون اساسی امریکا ۱۷۹۱ به یک مساله غامض و پیچیده و غیر قابل حل در امریکا تبدیل شده‌است و آیا واقعا می‌توان انتظار داشت که این متمم سرانجام در پیچ و تاب قانونگذاری در قوه مقننه بتواند خودش موضوع اصلاح قرار بگیرد.

از طرف دیگر با وقوع کشتارهای اخیر ناشی از حمل اسلحه و همراه انتقادات برخی نمایندگان دو حزب و به ویژه نمایندگان حزب دموکرات، سرانجام نمایندگان دو حزب در سنای ایالات متحده به توافق رسیدند که

تغییراتی هرچند جزئی در قانون مالکیت و حمل اسلحه بدهند، بر اساس اصلاحات جدید فروشندگان سلاح باید پیشینه مشتریان زیر ۲۱ سال خود را دقیق‌تر بررسی کنند که آیا صلاحیت مالکیت و حمل سلاح را دارند یا خیر؟ افزون بر این، برنامه‌ای از سوی دولت فدرال برای حمایت مالی از ایالت‌هایی در نظر گرفته شده‌است که در صدد تصویب قوانینی برای خلع سلاح افرادی هستند که مظنون به اعمال خشونت هستند. به گفته قانونگذاران اصلاحات به عمل آمده در صدد نقض متمم دوم قانون اساسی امریکانست.

اگر چه نمایندگان به ویژه از حزب جمهوری خواه با افزایش فشار افکار عمومی و به ویژه در آستانه انتخابات آتی نوامبر سعی می کنند نشان بدهند در مورد حمل اسلحه که مرتباً در امریکا منجر به ایجاد ترازوی در ایالت‌های مختلف این کشور می‌شود اقدام موثری انجام داده‌اند اما واقعیت این است تا زمانی که کارخانجات بزرگ اسلحه‌سازی و لابی‌های قدرتمند آنها در صحنه سیاسی امریکا حضور موثری دارند، توافق نمایندگان دو حزب برای اعمال اصلاحات قانونی باز هم کارایی در کاهش خشونت‌های ناشی از حمل اسلحه را نخواهد داشت و تا زمانی که متن دوم قانون اساسی امریکا اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار فوق‌العاده‌ای از این توافق و از این قانون جدید داشت. آقای بایدن رییس جمهوری امریکا نیز در پی توافق دو حزبی در سنای امریکا گفته‌است که این توافق تمام آن چیزی که وی ضروری می‌داند، نیست ولی در واقع بازتاب گام‌هایی در مسیر درست است و مهم‌ترین قانون امنیت حمل اسلحه که پس از دهه‌ها سال کنگره آن را به تصویب می‌رساند.

اما مقاله حاضر بیشتر متمرکز بر موشکافی و بیان چالش‌های حقوقی متن متمم دوم قانون اساسی امریکا در در عین حال بررسی برخی پرونده‌های حقوقی مرتبط با آن در نظام حقوقی امریکا است.

۱- سابقه و مبانی فکری متمم دوم

قانون اساسی امریکا

مالکیت سلاح در امریکا یک پایه حقوقی مهم دارد که در متمم دوم قانون اساسی این کشور درج شده‌است و همراه با تاریخ تأسیس این کشور و وضع قانون اساسی بوده و از همان ابتدا هم این موضوع جزو موارد بسیار مناقشه‌برانگیز در جامعه امریکابوده‌است. سابقه موضوع به جنگ‌های استقلال امریکا بین پادشاهی بریتانیا و مستعمرات سیزده‌گانه آن کشور در امریکا شمالی بین سال‌های ۱۷۷۵ تا ۱۷۸۳ برمی‌گردد. پس از جنگ‌های استقلال که با مرارت‌ها و مشکلات و سختی‌های زیادی برای مهاجرین ضد بریتانیایی همراه بود در مذاکرات مربوط به تدوین قانون اساسی امریکانویسندگان آن بر می‌پوستند تا نظام حکومتی جدید را به گونه‌ای طراحی نمایند که از قدرت گرفتن فرد یا گروهی جلوگیری به عمل آورد و اجازه ندهند آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان محدود شود. بر این اساس تدوین کنندگان قانون اساسی در سال ۱۷۹۱ یعنی ۸سال پس از پایان جنگ‌های استقلال تحت تأثیر منشور حقوق انگلیس در سال ۱۶۸۹ قرار داشتند و از این جهت ارتباط تاریخی بین آن منشور و متمم دوم قانون اساسی امریکا وجود دارد. در آن منشور اجازه حمل اسلحه به شهروندان برای دفاع از خودشان داده شده بود و ویلیام بلکستون -Wil- liam Blaxton حقوقدان مشهور بریتانیایی این حق را یک حق محوری قلمداد کرده بود. البته بریتانیاعدا و طی سال‌های بعد در قوانین مختلف اجازه حمل سلاح را بسیار محدود کرد که از جمله این قوانین می‌توانیم به قوانین خلع سلاح ۱۷۱۶، قوانین سلاح‌های گرم ۱۹۲۰ که قوانین مزبور حمل سلاح توسط شهروندان را اکملا محدود کرده‌اند. دو قانون دیگر هم وجود دارند که اگر چه به عنوان حمل سلاح وضع نشده‌اند ولیکن متن آنها متضمن ایجاد محدودیت‌های بیشتر حمل سلاح حتی سلاح‌های سرد تهاجمی مانند چاقوهای ضامن‌دار برای شهروندان بریتانیایی است. این قوانین عیار تند از قانون جرایم خشونت‌آمیز Violent Crime Reduction Act مصوب ۲۰۰۶ و قانون سلاح‌های تهاجمی Offensive Weapons مصوب ۲۰۱۹.

بنابراین دولت بریتانیا با اعمال وضع قوانین سختگیرانه نسبت به حمل سلاح‌های آتشین کنترل و حمل این گونه سلاح‌ها آنها را دسترس شهروندان خارج کرده‌است. اما به هر حال ایالات متحده از ابتدا راه بریتانیا را در مسیر این قانونگذاری دنبال نکرد و متمم دوم قانون اساسی را به همراه ۹ متمم دیگر به عنوان منشور ده‌گانه حقوق شهروندی امریکا به تصویب رساندند. شاید بتوان گفت یکی از مطرح کنندگان مهم ایده حمل اسلحه جیمز مدیسون James Madisonایرد که به پدر قانون اساسی و پدر منشور حقوق Bill of Rights امریکا مشهور است و چهارمین رییس جمهوری امریکاهم بوده‌است. در دوره ریاست جمهوری آقای مدیسون او به دلیل

جهان



یکی از داغ‌ترین بخش‌های آن است که جای زیادی برای تفسیر دارد. این اصلاحیه قانون در سال ۱۷۸۹ همراه با ۹ اصلاحیه دیگر که معروف به منشور حقوق Bill of Rights هستند به تصویب رسید. متن اصلاحیه دوم قانون اساسی چنین است:

«داشتن یک نیروی منظم شبه‌نظامی مردمی که برای امنیت یک کشور آزاد ضروری باشد و حق مردم برای حمل و نگهداری اسلحه محترم شمرده می‌شود.»

از خودش دفاع کند ۲- مشارکت در اجرای قانون ۳- پیشگیری و محافظت از مردم در برابر دولت‌های ظالم ۴- در صورت لزوم دفع تهاجم دشمنانی که ممکن است بر منطقه‌ای تسلط پیدا کرده باشند ۵- سرکوب شورش که ظاهرا شامل شورش‌های بردگان بوده‌است ۶- تسهیل حق طبیعی دفاع از خود.

البته در مورد هدف و نقش آقای مدیسون هم مورخین اظهار نظرهای متفاوت دیگری هم داشته‌اند چنانچه توماس مک آفسی و مایکل کوین ل. ب. Thomas A. McAffee and Michael J. Quinlan استاد در دانشگاه استنفورد بر

این باور هستند که مدیسون از این ایده دفاع کرد تا به آنتری دبلیست‌های امریکایی که مخالف ایالات متحده

فدرال بودند ثابت کند و نشان بدهد که شبه‌نظامی خلع سلاح نخواهند شد. به عبارتی پذیرش قانون حمل اسلحه یک راه‌حل سیاسی برای ترغیب و مصالحه سیاسی و اتحاد بین ایالت‌های مختلف امریکابود که به صورت فدرال اداره شوند و به قوانین فدرال امریکا پایبند باشند. برخی از دلایل فوق هم البته حتی در قوانین اساسی ایالت‌ها هم در شد چنانچه قانون اساسی ایالت پنسیلوانیا ۱۷۷۶ در ماده ۱۳ خود مقرر داشته‌است که شهروندان حق حمل اسلحه برای دفاع از خود و دفاع از ایالت‌شان را دارند.

البته به جز آقای مدیسون که رییس جمهور امریکا هم شد، یادید به دیگر نویسندگان قانون اساسی امریکا اشاره کنم که از متمم دوم قانون اساسی دفاع کرده‌اند

از جمله جورج میسون George Mason که او یک سیاستمدار برجسته ضد برده‌داری از ایالت ویرجینیا بود که اگر چه به عنوان یکی دیگر از پدران منشور حقوق امریکامشهور است که متمم دوم قانون اساسی جزوان منشور است ولی قابل ذکر است که نام آقای میسون در تاریخ حقوق امریکا به این دلیل شهره‌آفتاب شده که به همراه دو تن از سیاستمداران امریکا از امضای متن قانون اساسی امریکا در سال ۱۷۸۷ خودداری کرد. نویسنده دیگری مدافع متمم دوم قانون اساسی امریکا آقای پاتریک هنری Patrick Henry بود که به شدت طرفدار حمل اسلحه بود و چون بسیار به حق آزادی باور داشت آن را ضامن حق آزادی تلقی می کرد.

منظورم در بیان این نقطه نظر آن است که واضعین این ایده قانونی در حقوق امریکا پیش از آنکه بر جنبه حق فردی و خصوصی حمل اسلحه تأکید داشته باشند آن را نوعی حق اجتماعی می‌دانستند که اعمال این حق ضامن بقای حقوق دیگر جامعه نوپونباد امریکابود و زز طرفی به نوعی نقطه مصالحه و سازش -Compro- mise بین ایالت‌ها بود که از این طریق ایالت‌ها مطمئن می‌شدند که می‌توانند از حقوق ایالتی‌شان در برابر دولت فدرال و سسایر ایالت‌ها محافظت کنند. شاید به خاطر همین مباحثات قدیمی نویسندگان قانون اساسی امریکا باشد که اکنون بحث‌های حقوقی مدرن درباره متمم دوم قانون اساسی بر این موضوع متمرکز شده‌اند که آیا این متمم از حق خصوصی افراد برای نگهداری و حمل سلاح حمایت می‌کند یا اصولا حق است که برای نهادهای عمومی و فقط از طریق سازمان‌های شبه‌نظامی مانند گارد ملی قابل اعمال است.

چرا حملات مرگبار به شهروندان به اصلاح قانون حمل سلاح منتهی نمی‌شود؟

متمم دوم قانون اساسی امریکا، مانع اصلی حل مشکل اسلحه

قانون کنگره در ایالات متحده است که به‌طور کلی، مالیات غیر مستقیم بر تولید و انتقال برخی از سلاح‌های گرم وضع می‌کند و ثبت خرید و حمل آن سلاح‌های گرم و همین‌طور ثبت انتقال آن سلاح‌ها را الزامی می‌کند. بر اساس این قانون مالیات ۲۰۰ دلاری برای ثبت‌نام برخی اسلحه‌های گرم باید پرداخت شود و حمل سلاح ثبت‌نشده از ایالتی به ایالت دیگر غیرقانونی است. NFA در واقع در پاسخ به کشتار بلنداهای کانگستره در شیکاگو در سال ۱۹۶۹ در روز ولنتاین بود که در متن Saint Valentine's Day Massacre مشهور است. همچنین قانون در واقع پاسخی به تلاش برای ترور رییس جمهور امریکافرانکلین دی. روزولت در سال ۱۹۳۳ هم بود. اعمال خلاف این قانون یعنی در اختیار داشتن سلاحی که مقررات NFA برای ثبت اسلحه نسبت به آن رعایت نشده باشد جرم‌انگاری و برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شده‌است که بالاترین حد آن تا ۱۰ سال زندان فدرال و صادره تمام وسایل یا سلاح‌های گرم است.

ب – قانون فدرال اسلحه گرم (Federal Firearms Act ۱۹۳۸
قانون فدرال اسلحه گرم که اختصارا FFA خوانده می‌شود اخذ یک مجوز فدرال را برای تولید کنندگان، وارد کنندگان و افرادی که در تجارت اسلحه گرم فعالیت می‌کنند، ضروری و الزام‌آور کرد. این قانون، صاحبان مجوز را ملزم به حفظ سوابق مشتریان می‌کرد و انتقال حقوقی وجود دارد.

دیدگاه اول که دیدگاه عمومی تلقی می‌شود بر بخش اول آن تأکید دارد و استدلال می‌کند که هدف از این اصلاحیه حفاظت از نیروی شبه‌نظامی سازماندهی‌شده در اختیار ایالت‌ها و به منظور حفظ امنیت کشور بوده‌است و حق مردم برای حفظ و نگهداری اسلحه که در

حقوقی وجود دارد.

دیدگاه اول که دیدگاه عمومی تلقی می‌شود بر بخش اول آن تأکید دارد و استدلال می‌کند که هدف از این اصلاحیه حفاظت از نیروی شبه‌نظامی سازماندهی‌شده در اختیار ایالت‌ها و به منظور حفظ امنیت کشور بوده‌است و حق مردم برای حفظ و نگهداری اسلحه که در

حقوقی وجود دارد.

دیدگاه اول که دیدگاه عمومی تلقی می‌شود بر بخش اول آن تأکید دارد و استدلال می‌کند که هدف از این اصلاحیه حفاظت از نیروی شبه‌نظامی سازماندهی‌شده در اختیار ایالت‌ها و به منظور حفظ امنیت کشور بوده‌است و حق مردم برای حفظ و نگهداری اسلحه که در

حقوقی وجود دارد.

دیدگاه اول که دیدگاه عمومی تلقی می‌شود بر بخش اول آن تأکید دارد و استدلال می‌کند که هدف از این اصلاحیه حفاظت از نیروی شبه‌نظامی سازماندهی‌شده در اختیار ایالت‌ها و به منظور حفظ امنیت کشور بوده‌است و حق مردم برای حفظ و نگهداری اسلحه که در

حقوقی وجود دارد.

دیدگاه اول که دیدگاه عمومی تلقی می‌شود بر بخش اول آن تأکید دارد و استدلال می‌کند که هدف از این اصلاحیه حفاظت از نیروی شبه‌نظامی سازماندهی‌شده در اختیار ایالت‌ها و به منظور حفظ امنیت کشور بوده‌است و حق مردم برای حفظ و نگهداری اسلحه که در

حقوقی وجود دارد.

قرار بگیرند.

ملاحظه می‌شود که این رای عملا دو برداشت را برای خواننده القا می‌کند. برداشت اول اینکه هدف متمم دوم قانون اساسی حفاظت از مالکیت سلاح‌های نظامی مناسب برای استفاده در سازمان و تشکیلات شبه‌نظامی در ایالت‌ها است و دوم اینکه متمم دوم می‌تواند توسط قوانین جاری و موضوعه محدود و مشمول قانونگذاری حتی برای درآمدهای مالیاتی قرار بگیرد.

ب- دعوی حوزه کلیمبیا علیه هلر District of Columbia v. Heller ۲۰۰۸

در این دعوی دیوان عالی امریکا که بالاترین مرجع قضایی در آن کشور است با اکثریت عددی ۵ به ۴ رای داد که زبان و تاریخ متمم دوم قانون اساسی نشان می‌دهد که از حق خصوصی افراد برای داشتن سلاح برای دفاع از خود محافظت می‌کند و نه از حق ایالت‌ها برای حفظ یک شبه‌نظامی. به عبارتی اولاً تفسیر دیوان عالی در دعوی ایالات متحده علیه میلر نسبت به برتری جنبه عمومی متمم دوم پذیرفته شده (حفظ سازمان شبه‌نظامی) و حتی آن را محدود به تصمیمات فدرال کرده‌است. ثانیا هدف حمل سلاح از جنبه خصوصی را دفاع از خود بیان می‌نماید.

البته گروه مخالفان نیز در همان دیوان عالی استدلال کردند که حتی اگر متمم دوم قانون اساسی از حق فردی برای داشتن اسلحه برای دفاع از خود حمایت کند، باید به گونه‌ای تفسیر شود که به دولت اجازه دهد داشتن اسلحه دسترسی را در مناطق شهری که دارای نرخ جرم بالا هستند ممنوع کند. یک ابهامی هم که نسبت به این رای تفسیری دیوان عالی به وجود آمد این بود که آیا آرای دیوان به گونه‌ای ضمنی حق ایالت‌ها را برای داشتن و حمل سلاح محدود کرده‌است یا ایالت‌ها می‌توانند قوانین محدودکننده برای حمل سلاح وضع کنند. این موضوعی بود که در دعوی دیگری در شیکاگو مطرح و مورد چالش حقوقی قرار گرفت.

ج- دعوی مک‌دونالد علیه شیکاگو McDonald v. City of Chicago ۲۰۱۰

پس از صدور رای دادگاه عالی در منطقه کلیمبیا علیه هلر در سال ۲۰۰۸، چندین شکایت علیه شیکاگو و اوک پارک در ایالت ایلی نویز برای به چالش کشیدن ممنوعیت حمل اسلحه تشکیل شد. علت طرح این شکایات آن بود که چندین شهردار در ایالت ایلی نویز ثبت اسلحه را که لازمه داشتن آن محسوب می‌شد ممنوع کرده بودند که باعث غیرقانونی بودن داشتن آنها می‌شد، مگر اینکه قبل از ۱۶ آوریل ۱۹۸۲ به ثبت رسیده باشند. علاوه بر این، چندین حومه شیکاگو ممنوعیت مطلق در اختیار داشتن اسلحه دسترسی را وضع کرده بودند. در اینجا، شاکیان استدلال کردند که متمم دوم قانون اساسی باید در مورد ایالات از جمله ایالت ایلی نویز نیز اعمال شود و به عبارتی حق حمل اسلحه برای ایالت‌ها نیز این حق باید اعمال شود. اما دادگاه

منطقه این شکایت‌ها را رد و دادگاه تجدیدنظر نیز آن را تأیید کرد. بنابراین، این سوال مطرح شد که آیا متمم دوم قانون اساسی در مورد ایالت‌ها نیز اعمال می‌شود یا خیر؟ استدلال خواننده‌ها به متمم چهاردهم نمی‌تواند اساسی امریکابود بر اساس آن هیچ ایالتی نمی‌تواند قانونی را وضع با اعمال کند که امتیازات یا مصونیت‌های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد و هیچ ایالتی نمی‌تواند کسی را از حمایت مساوی قانون در حوزه قضایی خود محروم سازد.

برونده به عالی از راجع شد ولیکن دیوان عالی در بررسی خود آرای قبلی را نقض و اعلام کرد که متمم چهاردهم قانون اساسی امریکا در واقع ضامن حق نگهداری و حمل اسلحه به منظور دفاع از خود است که مصرح در متمم دوم قانون اساسی امریکامی‌باشد. دیوان عالی امریکا استدلال کرد حقوقی که ریشه عمیقی در سنت و تاریخ ملت امریکا دارد از جمله حق دفاع به واسطه متمم چهاردهم قانون اساسی نسبت به ایالت‌ها نیز باید اعمال شوند. خوب است اشاره کنم که این رای دیوان عالی امریکامخالفان نامداری از قضات دیوان عالی داشت از جمله قاضی مرحوم خانم روث‌بادر گینزبورگ Ruth Joan Bader Ginsburg که خودش از فعالین آزادی‌های مدنی در امریکا بود و خانم سونیا ماریا سوتومایور Sonia Maria Sotomayor که چندین استدلال کردند که هیچ چیزی در «متن، تاریخچه یا منطق اساسی» متمم دوم وجود ندارد که آن را به عنوان یک «حق اساسی» توصیف کند که ضامن پذیرش آن از طریق متمم چهاردهم قانون اساسی باشد. به عبارتی در این پرونده برخی قضات دیوان عالی امریکا تفسیر کلمه «حق» مذکور در متمم دوم قانون اساسی را حق اساسی و بنیادین محسوب نکرده‌اند که البته این تفسیر رای اکثریتی نبوده‌است.

نتیجه

مالکیت اسلحه در قانون اساسی امریکا برای ایجاد مصالحه بین ایالت‌ها وضع شد و پس از آن جنبه تجاری و صنعتی به خود گرفته‌است که در بیزینس داخلی امریکا نقش مهمی بازی می‌کند. اگر چه این موضوع منجر به بروز تراژدی‌های گسترده‌ای در کل امریکا و حتی ترور سیاستمداران ارشد امریکا شده‌است اما این معضل همچنان پلر جاست قانونگذاری جدید فدرال که مسئول توافق دو حزب جمهوری خواه و دمکرات است به گفت‌وگو منتهی‌انوار شد دو حزب کنترل‌های بیشتری را بر خرید و فروش و حمل اسلحه در سراسر امریکا مقرر خواهد کرد. همچنین تمهیدات امنیتی بیشتری را بر مکان‌های عمومی مانند مدارس اعمال می‌کند. این محدودیت‌ها اگر چه ممکن‌است تأخودی هم نباشد اما واقعیت آن است که از دیدگاه حقوقی مشکل اسلحه در امریکا تا متمم دوم قانون اساسی نسخ و اصلاح نشود هم کشتارهای عمومی و هم چالش‌های حقوقی مرتبط با اسلحه همچنان ادامه خواهند داشت. تمهیدات قانونی جدید فقط برای تسکین افکار عمومی و بهبود شرایط سیاسی در نظر گرفته‌شدند اما مشکل حقوقی بنیادین همچنان پابرجاست.